

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ لعنة الله علي اعدائهم اجمعين من الان الي قيام يوم الدين

یادآوری

بحث ما در فرع سوم، در این فرضی که مصَلّی شك دارد که این سجدتین منسیّتین آیا یکی از اینها از اخیره است یا غیر اخیره؟ انظار را بیان کردیم و ادله را هم ذکر کردیم و کلام مرحوم محقق عراقی(ره) متناً و آنچه که در تعلیقه به قلم شریف ایشان آمده ذکر شد و تحقیقی را که امام(ره) فرموده بودند را هم ذکر کردیم و نتیجه‌ی نظر امام(ره) مانند نظر مرحوم محقق عراقی(ره) بود که استصحاب عدم اتیان سجده اینجا جریان پیدا نمی‌کند!

حجاب در آیات و روایات

یک بحث مهم و لازمی را امروز باید به استحضار فضایی محترم برسانیم و تحقیق در بحث خودمان را به فردا موکول می‌کنیم، ان شاء الله.

متأسفانه این روزها ملاحظه شده که توسط عده‌ای از افراد و جریان‌ها، پیرامون مسائل حجاب و عفاف، در بعضی از مجلات و ویژه‌نامه‌ها مطالب مفصّلی که به نظر من حاکی از يك کار چندین ساله است، مطرح شده است.

برخی از مصاحبه‌هایی که در این مجله شده و تعبیراتی که در این مصاحبه آمده، بسیار بسیار جای تأسف دارد که در نظام جمهوری اسلامی، با هزینه‌ی بیت المال، واقعاً يك سري مطالب خلاف دین را، آن هم در پوشش دفاع از دین بیان کنند!

ادعای صاحبان این مجله این است که ما برای تقویت عفاف و حجاب این مطالب را تنظیم و منتشر کردیم! در حالی که واقعاً هر کسی که بی‌طرف باشد و هر کسی که حتّی به دنبال مسائل و جنجال‌های سیاسی و این گونه امور نباشد، اگر منصفانه و بی‌طرفانه بخواند این مجله را از اول تا آخر ملاحظه نماید، چنین نتیجه‌ای برای او حاصل نمی‌شود.

بدیهی است ما نیز نمی‌توانیم چنین نتیجه‌ای را از آن بگیریم، بلکه متأسفانه نتیجه‌ی عکس را ما از این مطالب می‌گیریم، این مقداری که من دیدم، يك تورّقی که نسبت به همه‌ی مجله داشتیم و بعضی از مصاحبه‌ها را هم دقیق خواندم، در تمام این مجله‌ی دویست و پنجاه و هشت صفحه‌ای، با کمال تأسف هیچ اشاره‌ای به اینکه «قرآن کریم» راجع به مساله حجاب چه می‌فرماید، نشده است!!!

با کمال تأسف در این مجله به هیچ وجه اشاره‌ای به آیات سوره‌ی مبارکه احزاب و آیات سوره مبارکه نور و ... نشده است و من ندیدم، يك تورّقی هم کردم تا ببینم آیا يك بابی را در این زمینه و برای این معنا باز کرده‌اند یا خیر؟ چنین چیزی را مشاهده نکردم! و چنین چیزی نبود.

بنابراین این پرسش به ذهن انسان می‌رسد که چطور می‌شود یک پژوهشگر و محقق در یک مجموعه‌ای به عنوان مسئله‌ی دین قلم بزند و یا مصاحبه کند، اما موضع روشن قرآن را بیان نکند؟! یا موضع روشن روایات را بیان نکند؟! و به آنچه که مربوط به –حجاب است توجه نکند مگر یک فتاوایی که به نفع خودشان در بعضی از مواردی که حالا اشاره می‌کنم چگونه به آن اشاره کرده اند.

قبل از پرداختن به این مطلب، لازم است این تذکر را بدهم که بالأخره چون در ماه مبارک رمضان است که صحبت می‌کنیم؛ لذا اگر خدایی نکرده حبّ و بغض سیاسی یا جناحی باشد واقعاً برای روزی انسان مشکلات فراوانی ایجاد می‌کند. از این رو باید فقط برای خدا بگوییم و بشنویم تا خداوند از ما راضی باشد.

آنچه که بر حسب روایاتمان داریم که «إِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ فِي أُمَّتِي فَلْيُظْهِرِ الْعَالِمُ عِلْمَهُ فَمَنْ لَمْ يَفْعَلْ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ» (الكافي، ج 1، 54) می‌خواهیم خدایی نکرده مشمول ذیل این روایت نباشیم و اینکه حالا من در وسط بحث این را در امروز عرض می‌کنم روی همین ضرورتی است که این بحث دارد.

ما بحمدالله بحث از آیات حجاب را در چند سال پیش مفصلاً ذکر کردیم و نوارهای آن در پایگاه اطلاع رسانی ما موجود است؛ از این رو به بخشی از آنها اشاره می‌کنم به عنوان مثال: به آیه‌ی 59 سوره مبارکه احزاب که می‌فرماید: اعوذ بالله من الشيطان الرجيم، بسم الله الرحمن الرحيم «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبٍ» به پیامبر اکرم(ص) دستور می‌دهد به زن‌ها، به دختران و زنان مؤمنین، یعنی زنانی که در همان زمان پیامبر(ص) و بعد از زمان پیامبر(ص) تا روز قیامت می‌آیند، یعنی خطاب فقط مخصوص زنان زمان آن حضرت نیست. ای پیامبر به همه این زنان این مساله را بگو و ابلاغ کن، پس خداوند متعال در این آیه می‌خواهد یک تکلیفی را بیان فرماید.

حال بعید نیست اگر یک محقق آیات حجاب را یک مقداری از روی دقت بررسی کند بگوید که در اسلام آیات حجاب به صورت تدریجی مطرح شده است؛ یعنی هر چند از یک طرف آیات یاد شده از سوره‌ی احزاب از نظر تاریخ نزول، هشتاد و هشتمین یا هشتاد و نهمین سوره قرآن است و آیات سوره‌ی نور 95 تا 102 را بیان کردند؛ به عبارت دیگر هر چند سوره احزاب بر حسب ترتیب مؤخر از سوره نور است، اما از نظر تاریخ نزول، مقدم است.

در این آیه شریفه خدای تبارک و تعالی یک تکلیفی را بیان می‌کنند و می‌فرمایند: «يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبٍ» ماده‌ی «دَنَو» اگر با حرف «الي» متعدی بشود به معنای نزدیک کردن است یعنی وقتی گفته می‌شود «ادني إلیه» یعنی یک شخص را به خودش نزدیک کرد ولی اگر با حرف «علي» متعدی بشود به معنای «آویزان کردن» است. خداوند متعال می‌فرماید: ای نبی ما به زن‌ها و دختران خود و همه زنان مؤمنین – به عنوان یک واجب – بگو جلباب را به عنوان یک پوشش سرتاسری آویزان کنند.

در این آیه از واژه «جلابیب» استفاده شده است؛ این واژه جمع «جلباب» است؛ که مدققین از اهل لغت گفتند: «جلباب آن پوششی است که سرتاسر تا روی پا را می‌پوشاند»؛ البته «پوشش سراسری»، هم در کتب لغت عرب استعمال شده است و نیز در بعضی از کتاب‌های لغت عرب، جلباب را به معنای ملحفه معنا کردند. چه اینکه لحاف چیزی است که انسان وقتی می‌خواهد تمام وجود انسان را می‌گیرد، حتی مثلاً در کتاب‌هایی مثل مقامات حریری تعبیر این است: «جلباب، چادر، تن‌پوش رویی، گشاد است و محیط بر تمام اجزاء بدن است». البته هر چند در لغت یک اختلافی بین لغویین وجود دارد، بعضی می‌گویند: جلباب همان خمار یا مقنعه است اما محققین لغوی، این واژه را به همین معنایی که ما عرض کردیم معنا کردند.

از آنجا که بگذریم آن گاه که به کلمات امیرالمؤمنین(ع) در کتاب شریف نهج البلاغه، یا کلمات شعرا، و امثال این‌ها مراجعه می‌کنیم از آن استفاده می‌کنیم که «جلباب یعنی روپوش کامل».

بنابراین می‌خواهم این را عرض کنم که گاهی اوقات در بعضی از نوشته‌ها می‌آید که در کجای اسلام مسئله‌ی چادر مطرح است؟ کسانی که می‌خواستند مانتوها را ترویج کنند، می‌گفتند چادر در اسلام نیامده! به ایشان پاسخ می‌دهیم که چادر همان، جلباب

است و صریح آیه قرآن است و تردیدی نیست که مراد از جلباب یعنی آن روپوشی که از سر تا پا را کاملاً بپوشاند و چه بسا تعین هم دارد؛ یعنی ما باشیم و ظاهر آیه شریفه، پوشیدن چادر برای زن تعین دارد.

البته اینجا يك نکته‌ی لطیفی هم در آیه شریفه وجود دارد که بحثش در مورد مؤمنین است که می‌فرماید: «قُلْ لِّأَزْوَاجِكِ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ»، یعنی زنان کافره را فعلاً در این آیه شریفه کاری ندارد.

شواهد اراده پوشش کامل از واژه جلباب

در اینجا لازم است چند شاهد را خدمت شما عرض کنم که جلباب به معنای پوشش کامل است.

«شاهد اول»: اینکه حضرت فاطمه زهرا(س) زمانی که می‌خواستند برای ایراد آن خطبه‌ی تاریخی به مسجد مشرف شوند، در روایات آمده است که «لأث خمارها علی رأسه» حضرت مقنعه‌شان را بر سرشان پیچیدند «و اشمطت بجلبابه» یعنی چادر هم سر کردند، این اولین شاهد بر اینکه جلباب همان چادر است.

«شاهد دوم»: ابن عباس که یکی از افرادی است که محل رجوع در فهم الفاظ قرآن است وقتی راجع به جلباب از ایشان سؤال کردند در جواب می‌گوید: جلباب «ذلك عن تلوية المرأة حتي لا يظهر منها الا عين واحدة تبصر به» ابن عباس می‌گوید جلباب يك پوشش کاملی است که زن را بپوشاند و فقط يك چشمش پیدا باشد! این دومین شاهد که منظور از جلباب چادر است.

«شاهد سوم»: جلال الدین سیوطی در کتاب الدر المنثور جلد پنجم صفحه 221 از ام سلمه روایتی نقل کرده که آن جناب فرمود: «لما نزلت هذه الآية» یعنی آیه «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ» «خرج نساء الأنصار كأن علي رؤوسهن القربان» یعنی آن زمان که این آیه‌ی شریفه نازل شد زن‌های انصار همه با چادر مشکی از خانه خارج شدند! یعنی نه تنها حتی مسئله چادر را از جلباب می‌فهمیدند؛ بلکه این گونه فهمیدند که چادر باید طوری باشد که اندام و بدن زن را نشان ندهد و بدیهی است که چنین پوششی، فقط چادر مشکی است.

به هر حال این شواهد و این آیه شریفه را که عرض کردم را به خوبی دقت داشته باشید.

بررسی شبهه در مورد چادر مشکی

حالا ببینید در یکی از مصاحبه‌هایی که در همین مجله آمده، چه تعبیرات سخیفی در این باره ذکر شده است! و عرض کردم واقعاً به ذهن انسان این سؤال خطور می‌کند، در زمانی که عده‌ای از مسلمان‌ها در دنیای غرب معتقدانه به سمت حجاب پیش می‌روند و حتی مبارزه می‌کنند و حاضرند محرومیت‌های فراوانی را متحمل شوند، این چه حرف‌هایی است که در مجلات ما زده شود؛ یعنی چه حرف‌هایی باید زده شود که زده نمی‌شود و چه حرف‌هایی که نباید زده شود اما مطرح می‌شود که نتیجه‌اش تخریب حجاب است!

حالا اینکه این مصاحبه کننده و این پخش کننده، واقعاً چنین نیتی را دارد یا خیر؟ خدا می‌داند و ما نمی‌دانیم ولی نیت ایشان هر چه باشد، نتیجه‌ی این مطالب چیزی جز تخریب حجاب در جامعه اسلامی نیست.

در این مجله آمده است: «قطعاً چادر مشکی بدترین پوشش است» و در بیان علت استدلال خود چنین عنوان کرده است که: «چون چهره‌ی زن را قاب می‌کند، یعنی نگاه را به چهره‌ی زن متمرکز می‌کند!» معنی این سخن این است که اگر زن مسلمان يك چادر رنگی بدن‌نما بپوشد این جلب توجه نمی‌کند!!! اما اگر چادر مشکی که بدن او را مشخص نمی‌کند، چادر مشکی‌ای که مشخص نمی‌کند این زن چه لباس رنگی‌ای زیر چادرش پوشیده، و همه لباس‌هایش را می‌پوشاند، این چادر جلب توجه می‌کند!!!

و یا در جای دیگری می‌گوید: «از سفرهای اروپایی ناصرالدین شاه، شب که به مجالس عیاشی در اروپا می‌رفت، می‌دید که

آنجا لباس مردها مشكي است، كلاه سيلندري مردها مشكي است و زن‌ها هم با لباس مشكي مي‌آيند، [از اين رو] به نظرش آمد كه [اين رنگ] يك نوع سنگيني و وقار دارد؛ [لذا] آن را به ايران آورد!!!

همانطور كه ملاحظه مي‌فرماييد گوينده، چادر مشكي را بوسيله اين انتساب، اين گونه خراب مي‌كند!!! يعني ايشان مي‌خواهد بگويد زنان متدين عفيف با حياي مسلمان ما كه به عنوان دستور خدای متعال اين چادر مشكي را مي‌پوشند و از آن استفاده مي‌كنند، اين از دستورات اسلام نيست بلكه از ميراث عياشي‌هاي اروپاي ناصرالدين شاه است كه به ايران آمده است!!!

حال اگر از آدم منصف، يعني آدمي كه واقعاً حبّ و بغض دنيايي نداشته باشد پرسيم كه، چنانچه امروز كسي بيايد و به يك دختر -متدين و مذهبي ما، به جاي اينكه از دستورات قرآن، خدا و سنت پيامبرش با او سخن بگويد، به او بگويد كه اين چادر از فلان جا و بهمان جا آمده است! حال آيا آن دختر مسلمان هم نمي‌آيد و بلافاصله موضع نمي‌گيرد؟! و نمي‌گويد چرا من اين چادر را -پوشم؟! طبيعي است بعد از اين زمينه سازي‌ها، آن دختر حق هم دارد كه اين گونه بپرسد! وقتي با بودجه بيت المال اين‌طور مي‌گويند و اين گونه استدلال مي‌كنند كه اين لباس از آنجا آمده، آيا اين دختر اين كار را نمي‌كند؟!

حقيقت اين است كه مطالب انحرافي بسياري در اين مصاحبه وجود دارد! يعني اگر يك نفر از بنده سؤال كند كه نقطه‌ي ثقل اين «ويژه‌نامه» كدام است؟ بدون شك به او خواهيم گفت كه همين مصاحبه، اساس انتشار اين مجله است! چه اينكه مطالب ديگري كه در اين ويژه‌نامه آمده است به عنوان حاشيه آورده شده و نقطه ثقلش همين بحث است.

آيه خمار و آيه جلباب

متاسفانه به اين حد هم كفايت نكردند! زيرا در يك جاي ديگري از اين مصاحبه آمده است: «ما بايد از قرآن شروع كنيم، قرآن سه تکه‌ي روشن براي لباس زن تعريف مي‌كند، روسري يا شال روي سرا، پيراهن و پوشش پا!» و در ادامه مي‌گويد: «تمام شد»!

به عبارت ديگر ايشان نظر مي‌دهند كه اين سه پوشش «حداقل» پوشش شرعي براي زن مسلمان است.

حال واقعاً اگر ايشان يك مقداري با قرآن آشنائي پيدا كنند، مثلاً «آيات خمار» يعني «وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ» (نور 31) را ببيند و يا «آيات جلباب» را نيز ببيند، آيا مي‌توانند بگويند در قرآن كريم براي زن پوشش سراسري نيامده است؟! پس از ايشان و جريان مدافع تفكر ايشان مي‌پرسيم، با اين آيه «يُدْنِينَ عَلَيْنَهُنَّ مِنَ الْجُلُوبِ» (الأحزاب 59) چه كار كنيم؟! و يا با روايت ام سلمه كه در ذيل اين آيه آمده چه كار كنيم؟!

بحث در كراهت لباس مشكي

جناب آقايي كه مصاحبه مي‌كنيد و در اين مصاحبه افاضه مي‌فرماييد كه: اين لباس سياه از اروپا آمده! حداقل يك مقداري تاريخ بخوان! شما كه خودت مدعي هستي دوره‌ي تاريخ خوانده‌اي! چون در همين مصاحبه مي‌گويد: من دوره تاريخ لباس را در پيش فلان استاد خواندم! لااقل يك مقدار هم به اين روايات مراجعه مي‌كرديد تا متوجه شويد كه اساساً مسئله‌ي رنگ سياه در صدر اسلام مطرح بوده است ولي متاسفانه ايشان در همين مصاحبه مي‌گويد: «لباس سياه در اسلام مكروه است»! به ايشان مي‌گويم جنابعالي كه مي‌گوئيد: لباس سياه در اسلام مكروه است! آيا رفته‌ايد روايات و فتاواي اسلام را هم ببينيد؟! چرا از چيزي كه اطلاع نداريد اظهار نظر مي‌كنيد؟!

در مورد ادعاي اخير ايشان بايد خطاب به عقبه اين تفكر بگويم:

«اولاً»: كراهت لباس سياه، يك «كراهت ذاتي» نيست؛ علت اين كراهت به خاطر اين است كه در تاريخ آمده است كه بني العباس از اين لباس استفاده مي‌كردند؛ از اين رو ائمه‌ي طاهرين براي اينكه شيعيان‌شان به آن‌ها شبیه نشوند، فرمودند: پوشيدن

لباس مشکی کراهِت دارد. یا مثلاً در بعضی از روایات داریم چون بعضی اقوام غیر موحد از این لباس استفاده می‌کردند، از این رو ائمه به خاطر عدم شباهت به یک چنین افراد و اقوامی چنین دستوراتی می‌دادند که این لباس کراهِت دارد؛ بنابراین رنگ مشکی کراهِت ذاتی نداشته و ندارد.

«ثانیاً»: در روایات پیرامون این مسأله در کتاب «وسائل الشیعة» و «مستدرک الوسائل» روایاتی وجود دارد که می‌فرمایند: «لباس سیاه کراهِت دارد الا در خُف، عمامه و کساء» و روشن است که «کساء» همان عبا یا چادر زن مسلمان را می‌گویند و در این سه مورد استفاده از رنگ مشکی استثناء شده است.

ببینید وقتی جناب ام سلمه مخزومی پس از نزول آیه می‌گوید: «زن‌های انصار با چادرهای مشکی بیرون آمدند»؛ آیا جایی در تاریخ داریم که پیامبر(ص) نهی‌شان کرده باشد؟! و یا آیا موردی، گزارش تاریخی‌ای وجود دارد که پیامبر(ص) فرموده باشند: «جلباب این نیست و بروید چادرهایتان را عوض کنید»! نه‌تنها چنین گزارشی بر خلاف عمل زنان مومن نداریم، بلکه در مقابل، روایات فراوانی وجود دارد که پیامبر(ص) آن‌ها را تأییدشان کرده است و بالاتر از این، به وسیله ائمه هم استفاده از چنین پوششی تأیید شده است.

آری چادر مشکی يك ریشه تاریخی در اسلام دارد و ربطی به ناصرالدین شاه و عیاشی‌های اروپایی وی و امثال این مسائل ندارد.

چرا شما با این حرف‌هایتان به دنبال تخریب عقاید مردم و زن‌ها هستید؟! چرا شما از این آیات قرآن فاصله می‌گیرید؟!

اهمیت حجاب و عفاف و حرمت اختلاط زن و مرد

همان‌طور که عرض کردم در این ویژه‌نامه و خصوصاً در این مصاحبه مطالب بسیار حساب شده‌ای مطرح شده است، مثلاً در جای دیگری با مغالطه مرموزی می‌گوید: «امیرالمؤمنین(ع) نسبت به پوشش زن‌ها حساسیتی نداشتند ولی نسبت به بیت المال حساسیت داشتند»! در ادامه هم می‌گوید: «ببینید در رساله‌ها فقهاء چقدر راجع به لقمه حلال و حرام می‌گویند!»

البته این یک شیوه حساب شده‌ای است که گاهی اوقات اسمی هم از فقهاء، برای چاشنی مطالبشان می‌آورند!

به امثال ایشان می‌گوییم اگر شما به فقهاء معتقدید، مگر فقهاء این همه راجع به «حیاء» و «عدم اختلاط زن و مرد»، فتوا ندادند؟! مگر شش سال پیش «پنج مرجع بزرگ» فتوا ندادند که ورود زنان به ورزشگاهی که آقایان در آن هستند، حرام است؟! و متأسفانه تاکنون هم مقاومت و مخالفت کردند و آرام آرام دارند این کار را انجام می‌دهند!

شما در همین مجله‌ای که به اسم ترویج حیاء و حجاب است، ببینید صفحات فراوانی را در ترویج مسئله‌ی ورود زن‌ها به میدان ورزش مطرح کرده، از این‌ها می‌پرسیم کدام فقیه را شما می‌شناسید که با ورزش زنان مخالف باشد؛ اصلاً کدام عاقلی است که با ورزش مخالف باشد؟ آن چیزی که فقهاء می‌گویند این است که زن در انتظار مرد نامحرم حق ندارد حرکات و اندام خودش را نشان بدهد ولو يك لباس ظاهری هم برایش درست کرده باشند؛ اصل این کار از نظر اسلام، جایز نیست و حرام است.

متأسفانه در این چند سال اخیر مشکل کشور ما همین شده که افرادی به ادعای اینکه دین را خوب می‌شناسند در مسائل دینی مداخله می‌کنند!

انجام وظیفه حوزه و روحانیت در مسئولیت‌ها

و در نهایت در سرمقاله این به اصطلاح ویژه‌نامه، تمام اشکال، متوجه روحانیت شده است! البته این‌ها بلدند چه کار کنند و چگونه بنویسند، اشکال یاد شده هر چند به صورت استفهام مطرح شده است، منتهی به قول ما به نحو «استفهام تقریری» بیان شده است.

نویسنده در سرمقاله از این عبارات استفاده می‌کند و می‌گوید: «آیا علماء و روحانیون و فرهیختگان جامعه اسلامی مسئول و مقصرند که نتوانسته‌اند معنا و مفهوم حجاب را به عنوان ایمن کننده و نجات بخش زن به روح و جان زنان مسلمان اسلامی نفوذ بدهند؟!» بله بعد از این افاضات تازه فقهاء مقصرند.

ببینید بعد از مسئله‌ی ننگین کشف حجاب در زمان رضاخان، فقهاء بیش از شصت رساله در مورد حجاب نوشتند! چگونه می‌گویید فقهاء مقصرند؟! شما مقصرید که نمی‌گذارید اسلام واقعی به جامعه برسد! شما مقصرید که برای جلب قلوب يك عده افراد بی‌بند و بار می‌خواهید مسائل اصلی و ضروری اسلام را زیر پا بگذارید!

انسان تعجب می‌کند، در زمانه ما چه اتفاقی افتاده است؟ در دنیای غرب به اسم آزادی، کشتارها انجام می‌دهند و به اسم حقوق بشر، این فقری که در سوماترالی و ... است، به وجود می‌آید و هیچ کس از این حکام استکبار نفسش در نمی‌آید! و متأسفانه در -کشور ما هم عده‌ای در پوشش نظام ولایت فقیه، علیه ولایت فقیه عمل می‌کنند و در پوشش نظام اسلامی، ضد اسلام عمل می‌کنند و در پوشش حجاب، علیه حجاب کار می‌کنند و قلم می‌زنند! انسان نمی‌داند این درد را کجا ببرد!

مطمئن باشید که علماء همیشه وظیفه خودشان را بیان کردند و بیان هم خواهند کرد و کوتاهی هم نخواهند کرد! کدام مسئله در مورد حجاب بوده که از يك عالم و يك فقیه سؤال بشود، بگویند: ما جوابش را بلد نیستیم، یا جواب نداده باشند و یا مهمل باقی مانده باشد؟! در کدام موضوع است که فقهاء در يك زمان شصت رساله نوشته باشند؟! البته این شصت رساله تنها مربوط به یک دوره تاریخی است از آن دوره به بعد هم چنین رساله‌هایی به فراوانی نوشته شده است و فقهاء این مساله را مطرح کردند.

حالا آیا درست است که بگوئیم چادر اصلاً در اسلام نیست!!!!؟ البته در این مصاحبه نگفته چادر در اسلام نیست، بلکه در ظاهر فقط به رنگ چادر حمله کرده! اما از آن ادعایی که مطرح نموده مبنی بر این که می‌گوید: قرآن در مورد حجاب زن، سه تکه بیشتر نمی‌گوید! معلوم می‌شود چادر را هم قبول ندارند!

يك زمانی می‌گویند: «چیزی به نام چادر در حجاب ما وجود ندارد!» بلافاصله رهبر معظم انقلاب فرمودند: «چادر حجاب برتر ماست».

زمان دیگری می‌گویند: رنگ مشکی رنگ فسّاق اروپایی است!

يك جای دیگری می‌گویند: «سلسله قاچار رنگ سیاه را - که مختصّ یهود است- به این مملکت آورده است».

حرف اصلی من با صاحبان این مجله این است که: با قطع نظر از اشکالات فراوان علمی که به این مصاحبه وجود دارد، حرف اصلی من این است که شما در این مجله بیشتر تلاش‌تان بر چه محوری استوار بوده است؟

بعضی از نوشته‌جات می‌گویند: «در زمان زرتشت مسئله حجاب در ایران این چنین و آن چنان بوده، زن‌های ایران هفت هزار سال با حیاء و با عفت بودند» درست است که ما این حرف را قبول داریم! این به جایی خود؛ ولی می‌گوئیم شما چرا فقط می‌خواهید مسئله‌ی حجاب را از دید تاریخی به این کشور مطرح کنید؟! به ما چه ربطی دارد که زمان زرتشت از لحاظ حجاب چه وضعی بوده؟!

ما می‌گوئیم قرآن چه می‌گوید؟ خدا چه فرموده؟ بله، آن زمان هم الحمدلله، تاریخ ایران نشان می‌دهد که مردم ایران مردم عفیفی بودند، تمدن هفت هزار ساله‌ی ایران این را نشان می‌دهد و این از افتخارات زنان و مردان ایران زمین است؛ این مطلب را کسی انکار نمی‌کند، ولی بحث این است که چرا شما از زاویه‌ی قرآن نمی‌آئید مسئله را مطرح کنید؟! چرا شما نمی‌آئید واقعاً حکم خدا را صریح و شفاف برای دختران و خواهران مسلمان و ایمانی ما بیان کنید؟! چرا نمی‌آئید به زنان بگوئید عزیزان، اسلام اگر حجاب را برای شما مطرح فرموده، برای امنیت، کرامت و شخصیت شماست؟ این ارزشی است که اسلام به شما داده است.

از يك طرف فرموده «**قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ**» (نور30) از يك طرف مي‌فرمايد: «شما دري هستيد كه بايد خودتان را بپوشانيد و از خودتان مراقبت كنيد» و به عنوان يك تكليف هم مطرح مي‌مايد.

اختياري نبودن حجاب

حالا گاهي اوقات بعضي از نويسنده‌ها مي‌گويند اين آيه «**يُدْنِينَ عَنْهُمْ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ**» (الأحزاب59) يك امر اختياري است كه خدا به زنان داده است! به اين افراد ناآگاه مي‌گويم حجاب امر اختياري نيست بلكه حجاب تكليفي است كه خدا به زنان فرموده است، زيرا صحيح نيست كه خداوند متعال به عنوان مولا يك چيزي كه مصلحت نداشته باشد را براي انسان بيان كند و به عنوان تكليف قرار بدهد. خدا همچون كارفرماياني نيست كه به ميل كاذب خودش يك دستوري بدهند. امر خداوند در زمينه حجاب و استفاده از چادر مصلحتي بوده كه پرودگار متعال براي زن‌ها مطرح فرمودند و بايد آن را رعايت كنند.

به جاي اينكه ويژه‌نامه چاپ كنند و موجب تشويش افكار عمومي را فراهم بياورند، بيايند با علماء و فضلاي حوزه اين مسئله را كاملاً بررسي كنند؛ اگر واقعاً قصد ديگري ندارند ما آمادگي داريم، در حوزه‌ي ما بحمدالله بزرگان بسيار هستند تا اگر آقايمان شبهه دار، شبهه‌اي دارند بيايند مطرح كنند، اگر واقعاً مي‌گويند اسلام چادر را مطرح نكرده، براي ما دليل علمي بياورند، حداقل در مقابل اين آيه و اين روايات و اين مسائل دليل بياورند كه دليلي جز ادعاهاي فاقد اعتبار چيز ديگري ندارند!

علي ايّ حال ما نصيحت مي‌كنيم، تقاضا مي‌كنيم، ملتسمانه از آقايايي كه در مسائل ديني وارد نيستند درخواست مي‌كنيم، خدا مي‌داند اگر يك كار اقتصادي‌شان اشتباه باشد و يك ضربه اقتصادي بزنند فو قش اين است كه ضامن هستند، ولي اگر با مسائل ديني اين‌گونه بازي كنند و بدعت بگذارند، اين بدعت ممكن است صدها و هزاران سال ادامه پيدا كند و «**مَنْ سَنَّ سُنَّةَ كَانِ عَلَيْهِ وَزَرًا وَ زَرٌّ مِنْ عَمَلٍ بِهَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ**» تمام وزر و وبالش تا روز قيامت بر عهده آن افراد خواهد بود.

اخت بيشتر مرحوم امام و مقام معظم رهبري به اسلام نسبت به مسئولين

در انتهاي عرائض لازم مي‌دانم يكي ديگر از مطالبتي كه انسان را زجر مي‌دهد و متاسفانه در اين مجله به صورت توهين آميز آمده، اشاره نمايم و آن اينكه در اواخر مجله كلماتي از حضرت امام خميني(ره) و مقام معظم رهبري(دام ظلّه الشريف) آوردند كه نظرات اين بزرگواران راجع به زن چيست؟ مطالبتي بسيار كم و كوتاه! اما در اول مجله ده‌ها صفحه نظرات مسئولين ديگر را مطرح كردند، اين‌ها جاي سؤال دارد، از مسئولين اين ويژه‌نامه مي‌پرسيم، آيا آن مسئول به اسلام، اعرف است يا امام خميني(ره) به اسلام، اعرف است؟ آيا آن مسئول اعرف به اسلام است يا رهبري معظم انقلاب اعرف به اسلام است؟

اينكه كلمات اين بزرگان را در پايان مجله بگذارند معني‌اش چيست؟! خوانندگان كه ابتدائي اين مجله پر صفحه را مي‌بينند، به انتهاي آن نرسيده خسته مي‌شوند و معمولاً آخر آن را هم نمي‌خوانند.

به نظر ما اين كارها همه از شيوه‌هاي جهت‌دار است و اميدوارم كه ان شاء الله اين اشكالات به گوش آقايمان برسد و در كارهايشان تدبّر كنند و اگر در عرايض بنده اشكالي باشد بنده براي پاسخ دادن آماده هستم.

فلسفه لباس سياه در عزاداري

حال چون اين بحث را مطرح كرديم؛ از اين رو، امروز هم به خاطر اينكه روز ولادت امام مجتبي(ع) است، به مناسبت برادر بزرگوارشان امام حسين(ع) لازم است مساله‌اي را مطرح كنيم؛ چون گاهي اوقات بعضي از فضلا اين سؤال را مطرح مي‌كنند كه فلسفه لباس سياه در عزاداري امام حسين(ع) چيست؟ و به چه معناست؟

در اين باره روايتي در كتاب «**مستدرک الوسائل**» مرحوم حاجي نوري جلد سوم آمده كه ايشان مي‌فرمايد: «**أَنَّ مَلَكًا مِنْ مَلَائِكَةِ الْفِرْدَوْسِ الْأَعْلَى نَزَلَ عَلَى الْبَحْرِ وَ نَشَرَ أَجْنَحَتَهُ عَلَيْهِ**» وقتي حادثه عاشورا پيش آمد، يك ملك از ملائكه‌ي فردوس اعلي بال

خودش را بر تمام بحر گستراند «ثُمَّ صَاحَ صَيِّحَةً» سپس فریادی زد «وَقَالَ يَا أَهْلَ الْبَحَارِ الْبَسُوا أَثْوَابَ الْحُزْنِ» به اهل دریاها فرمود لباس‌های حزن و ماتم را بپوشید «فَإِنَّ فَرْخَ الرَّسُولِ مَذْبُوحٌ».

در ادامه مرحوم حاجی نوری(ره) در ذیل این روایت می‌فرماید: «فِي هَذِهِ الْأَخْبَارِ وَالْقِصَصِ إِشَارَةٌ أَوْ دَلَالَةٌ عَلَى عَدَمِ كَرَاهِيَةِ لُبْسِ السَّوَادِ» این اخبار اشاره است یا دلالت دارد بر اینکه لباس سیاه کراهت ندارد که نه تنها کراهت ندارد بلکه «أَوْ رُجْحَانِهِ حُزْنًا عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ(ع) كَمَا عَلَيْهِ سِيرَةٌ كَثِيرٌ فِي أَيَّامِ حُزْنِهِ وَ مَاتَمِهِ».

در پایان، امیدوارم خدای تبارک و تعالی به برکت این ماه مبارک رمضان هم‌همی ما را آشنا به اسلام و دین خود و نیز عامل به دینش بفرماید، ان شاء الله.

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَالسَّلَامَ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ